

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

یکشنبه ۰۶ جون ۲۰۲۱

فریده نوری

## افغانستان

بیست سال فرصت های از دست رفته

قسمت چهارم

مصاحبه لو ماند با احمد رشید، خبرنگار پاکستانی

منبع: اخبار لو ماند (Le Monde)

تاریخ: یکشنبه ۳۰ و دوشنبه ۳۱ ماه می ۲۰۲۱

خبر نگار: جک فولورو (Jacques Follorou)

مترجم: فریده نوری

به ادامه گذشته:

با اقدام خروج بدون قید و شرط اردوی امریکا از افغانستان، رئیس جمهور جو بایدن یک خطر بزرگ را به عهده گرفت

تحلیل یک متخصص پاکستانی، که ارتباطات شورشیان با القاعده را یک تهدید دراز مدت می پندارد. احمد رشید یک خبرنگار و نویسنده پاکستانی، متخصص تحریک طالبان است. وی نویسنده یک تعداد زیاد کتاب، از آن جمله برگشت طالبان در سال (۲۰۰۹)، که در آن مخصوصاً به امریکا خاطر نشان می سازد که در ستراتیژی خود بازدید دوباره نماید، زیرا خطر باختن جنگ موجود است. سوال لو ماند: چرا بیست سال جنگ در افغانستان لازم شد تا واشنگتن در زمان ریاست جمهوری دونالد ترمپ قبول کند که به تاریخ ۲۹ فبروری در دوحه معاهده صلح را با طالبان امضاء کند؟

جواب: یگانه هدف دونالد ترمپ این بود تا بتواند در زمان مبارزات انتخاباتی خود برای دوباره رئیس جمهور شدن در سال ۲۰۲۰ میلادی خروج عساکر خود را از افغانستان اعلان کند. وی بدون داشتن یک ستراتیژی، نه منافع امریکایی ها را، و نه منافع افغان ها را مد نظر داشت. امریکا چندین بار کوشش کرد که صلح نماید. در سال ۲۰۰۹ میلادی بارک اوباما نیز یک نماینده برای افغانستان و پاکستان تعیین کرد، ریشارد هولبروک [بصورت آنی در دسامبر سال ۲۰۱۰ میلادی فوت نمود]، برای پیشبرد صلح بسیار انرژی مصرف نمود. مگر وی در داخل اداره امریکا منزوی شده بود.

امروز، جو بایدن با سرعت بخشیدن به خروج مکمل عساکر خود یک قمار بسیار کلان را به دوش گرفت. وی با گفت و گو برای خروج عساکر، یک معاهده با طالبان امضاء نمود. در حالیکه این کاملاً یک فرضیه است: از تابستان سال ۲۰۱۸ میلادی، شورشیان هیچ وقت برای صلح از خود کدام اراده نشان نداده اند، آن ها بسیار زیاد مفاد به دست آوردند، بدون این که در مقابل چیزی از دست بدهند. برای ما در مورد سیستم سیاسی، در مورد صحت، در مورد روابط خارجی و جای زن ها در جامعه شان، طالبان معلوم نیست که چه می خواهند.

سوال: امریکایی ها چگونه در سال ۲۰۰۱ میلادی توسط افغان ها استقبال شدند؟

جواب: رسیدن شان و هم چنین رسیدن مؤسسات غیر دولتی آورنده یک امیدواری بزرگ برای صلح بود. بعد از پنج سال حکمروایی طالبان، طالبان نمی توانستند بالای حمایت مردم حساب کنند، زیرا مردم آن ها را نمی خواستند.

از سال ۱۹۹۳ میلادی، به کمک و حمایت لوژیستیک و سیاسی ممالک خارجی به هر جبهه، افغانستان به صحنه های جنگ قومی مبدل گشت.

سوال: واشنگتن لازم بود که در اخیر سال ۲۰۰۱ میلادی از طالبان دعوت می کرد که در توافق بئن، به امید گذار به سوی دیموکراسی اشتراک کنند؟

جواب: در آن زمان، کار تهداب گذاری دوباره افغانستان با اشتراک طالبان برای امریکایی ها غیر قابل تصور و ناممکن بود. حامد کرزی به حیث رئیس دولت مؤقت انتصاب شد. بر حسب تلاش واشنگتن، طالبان مغلوب شدند و باید زندانی و محکوم به مرگ می شدند.

سوال: در مدت این بیست سال، کدام تصمیم به چانس صلح لطمه وارد کرد؟

بزرگترین اشتباه امریکا اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی بود، در حالیکه معضله افغانستان حل نشده بود، با این تصمیم، یک قسمت کمک برای افغانستان دور داده شد، و حتی تعقیب اسامه بن

لادن رهبر القاعده در ردیف دوم قرار گرفت، بهترین واحد نظامی امریکایی ها در عراق انتقال داده شد. فلذا در آن وقت صلح آمده بود، طالبان نیست و نابود شده بودند، باید خالیگاه سیاسی با ریفورم های دیموکراتیک، پلان های احیای مجدد، پروژه های انکشافی پُر می گردید. لخر بر ایمی، نماینده سازمان ملل متحد در افغانستان، شورای امنیت ملل متحد را در اخیر سال ۲۰۰۳ میلادی در مورد خطری که به دلیل این بی علاقگی امریکایی ها، به منافع عراق به وجود خواهد آمد، مطلع ساخت.

سوال: یک اعتراض و شکایت دیگری که بالای امریکا وارد می شود این است که با جنگ سالاران به ضرر دولت متحد شد....

جواب: موافقه که با جنگ سالاران که آن ها را در جنگ علیه رژیم طالبان در سال ۲۰۰۲ میلادی کمک نموده بودند، ارتباط می گیرد به تصمیم اشغال عراق. این برای امریکا یک راه حل ارزان به نظر آمد تا به رول ژاندارم تخفیف بدهند.

این یک اقدام عاقلانه و سنجیده بود اما در کوتاه مدت. جنگ سالاران نشان دهنده یک قوت ای هستند که به سرعت اقدام می کنند، اما منفور مردم، فاسد، بی رحم و اکثراً شریک و همکار قاچاقبران مواد مخدر می باشند. و این از یک طرف یک اشتباه بسیار خطرناک و وخیم بود، و از طرف دیگر از دست دادن زمان، که هیچ وقت دوباره جبران نشد. امریکا در افغانستان برای جنگ کردن آمده بودند، نه برای آوردن صلح، و این است تراژیدی این بیست سال اخیر.

سوال: بین سال های ۲۰۰۲ الی ۲۰۰۴ احیای دوباره سیاسی مملکت آغاز شد: برگزاری لویه جرگه، انتخابات ریاست جمهوری، قانون اساسی نو، خلع سلاح جنگ سالاران...

جواب: این پیشرفت ها مانند عملیه سیاسی و انکشافی از برکت ملل متحد به هدایت امریکا ممکن شد، در حالیکه خود امریکایی ها در عراق بودند و طالبان هنوز یک تهدید را تشکیل نداده بودند. بی ثباتی و شتابزدگی واشنگتن این منطق خیالی را به خطر انداخت. آوردن دیموکراسی در یک مملکت ای که بیست سال جنگ را پشت سر داشت، در ظرف دو سال امکان پذیر نیست! انتخابات ریاست جمهوری بسیار زیاد قبل از وقت برقرار شد. ملل متحد مخالف این جنتری بود، پیشنهاد لخر بر ایمی که درخواست نموده بود که باید یک مدت که اجازه بدهد تا عملیه سیاسی که در دوران افتاده است محکم شود و مخصوصاً توافق نظر بالای قانون اساسی به دست آید. اما جورج بوش برای مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ میلادی برای دوباره انتخاب شدن، ضرورت داشت تا بگوید "کار ختم شد"، مثل این که این یک دلیل بسیار کلان برای امریکایی ها بود! با داخل

